

مقاله پژوهشی:

بررسی رهنمودهای حقوقی - اقتصادی اسلام به‌عنوان راهکاری برای درونی‌سازی آثار خارجی

mhkarami@rihu.ac.ir

محمدحسین کرمی / استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

چکیده

آثار خارجی، هزینه‌ها یا منافع است که مستقیماً از فعالیتی اقتصادی به دیگران منتقل می‌شود. نئوکلاسیک‌ها راهکارهایی نظیر مالیات را برای درونی‌سازی آثار خارجی پیشنهاد می‌کنند. نهادگرایان جدید نیز تخصیص حقوق مالکیت به نفع فعالیت دارای ارزش بیشتر یا زیان کمتر را بهترین راه‌کار مواجهه با آن می‌دانند. تحلیل آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، مستلزم تبیین و نقد دیدگاه‌های موجود است. مقاله حاضر با روش تحلیلی و رویکرد مقایسه‌ای، به دو مسئله اساسی می‌پردازد؛ (۱) آیا همان‌طور که در اقتصاد نئوکلاسیک، مالیات راهکاری برای درونی‌سازی آثار خارجی است، مالیات‌های اسلامی را هم می‌توان ابزاری برای درونی‌سازی آثار خارجی دانست؟ (۲) آیا تخصیص حقوق مالکیت در نظام حقوقی اسلامی، همانند نهادگرایی جدید از ملاک هزینه-فایده اقتصادی تبعیت می‌کند؟ نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که اولاً مالیات‌های اسلامی برای درونی کردن آثار خارجی وضع نشده‌اند و چنین کارکردی از آنها مورد انتظار نیست. ثانیاً حقوق مالکیت در نظام حقوقی اسلامی بر مبنای رویکرد نهادی هزینه-فایده اقتصادی بنا نشده است. بنابراین از مجموع رهنمودهای حقوقی-اقتصادی اسلامی نمی‌توان راهکارهایی مشابه راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید برای مواجهه با آثار خارجی استنباط کرد.

کلیدواژه‌ها: آثار خارجی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد نهادگرایی جدید، مالیات پیگویی، حقوق مالکیت.

طبقه‌بندی JEL: D62, H23, P48, N45, K42

معمولاً فعالان اقتصادی هزینه‌های فعالیت اقتصادی خود را می‌پردازند و از منافع آن بهره‌مند می‌شوند؛ اما گاهی بخشی از هزینه‌ها یا منافع یک فعالیت اقتصادی خارج از قالب مبادله (به‌طور مستقیم و نه با واسطه قیمت‌های بازاری) به دیگران انتقال می‌یابد. به این هزینه‌ها یا منافع در اصطلاح، «آثار خارجی» می‌گویند. از این‌رو، آثار خارجی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، انتقال بخشی از هزینه‌ها یا منافع یک فعالیت اقتصادی به دیگران، در مبادلات بازاری منعکس نشود (ر.ک: لایارد و والترز، ۱۹۸۷، ص ۲۳). بنابراین مفهوم آثار خارجی ارتباط تنگاتنگی با مبادله بازاری دارد. «آثار خارجی» به معنای فقدان مبادله در جایی است که باید مبادله انجام گیرد؛ مثلاً شخصی که در محیط عمومی سیگار می‌کشد، تنها هزینه خرید سیگار و ملزومات آن را می‌پردازد، ولی هزینه‌ای بابت آلوده کردن فضا و ضرر و زیان ناشی از دود سیگار، به اطرافیان نمی‌پردازد. آن بخش از هزینه‌هایی که در قالب مبادله بازاری قرار می‌گیرد (هزینه خرید سیگار و ملزومات آن) درونی، و آن بخش از هزینه‌ها که خارج از مبادله بازاری به دیگران منتقل می‌شود (زیان ناشی از دود سیگار به اطرافیان) بیرونی است.

نئوکلاسیک‌ها و نهادگرایان جدید براساس مبانی، اهداف و پیش‌فرض‌های خود، رویکردهایی در مواجهه با آثار خارجی طراحی و برای عملیاتی کردن آن رویکردها، راهکارهایی معرفی کرده‌اند. رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک مبتنی بر درونی کردن آثار خارجی است و رویکرد نهادگرایی جدید بر «هزینه - فایده» اقتصادی در مواجهه با آثار خارجی تمرکز دارد. راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک برای درونی‌سازی آثار خارجی، راهکارهای دولتی است؛ زیرا در اقتصاد نئوکلاسیک اعتقاد بر این است که آثار خارجی از عوامل شکست بازار است و بازار هم از درونی کردن آن ناتوان است. بنابراین تنها با دخالت دولت می‌توان آن را درونی کرد. یارانه، مجوزهای آلودگی و قوانین محدودکننده و تشویقی از جمله راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی هستند. اما مشهورترین راهکار اقتصاد نئوکلاسیک، وضع «مالیات پیگویی» (Pigovian tax) است.

نئوکلاسیک‌ها معتقدند: با دریافت مالیات از عامل ایجاد آثار خارجی (منفی) می‌توان آن را درونی کرد. نهادگرایان جدید درونی‌سازی آثار خارجی را لزوماً راهکار مناسبی نمی‌دانند و معتقدند: چنین اقداماتی ممکن است زبان‌هایی بیش از آثار خارجی به‌بار آورد. طبق دیدگاه نهادی، مواجهه با آثار خارجی باید با ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی صورت پذیرد. نهادگرایان جدید برای تحقق این رویکرد، بر تخصیص حقوق مالکیت به‌مثابه راهکاری مؤثر تأکید می‌ورزند. طبق این راهکار، حقوق مالکیت باید به نفع فعالیت‌هایی وضع شود که ارزش اقتصادی بیشتری ایجاد می‌کند.

این مقاله در دو بخش به بررسی این راهکارها در نظام حقوقی - اقتصادی اسلام می‌پردازد:

در بخش نخست، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا مالیات‌های اسلامی، همانند مالیات پیگویی دارای کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی هستند؟ به این منظور، بررسی می‌شود که آیا موارد تحت شمول مالیات‌های اسلامی از مصادیق آثار خارجی است؟ اگر چنین است آیا مالیات‌های اسلامی، همچون مالیات پیگویی می‌تواند منجر به درونی شدن آثار خارجی شود؟

در بخش دوم، این مسئله بررسی می‌شود که آیا تخصیص حقوق مالکیت در نظام حقوقی اسلامی براساس ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی صورت گرفته است؟ به این منظور، فرایند تخصیص حقوق مالکیت خصوصی در حقوق اسلامی با بیان اصل کلی و محدودیت‌های آن بررسی می‌گردد.

از آنچه گفته شد روشن می‌شود که این مقاله درصدد ارائه دیدگاه اسلامی درباره مسئله آثار خارجی نیست، بلکه تنها می‌خواهد میزان سازگاری مشهورترین راهکارهای موجود در مواجهه با آثار خارجی را با رهنمودهای حقوقی - اقتصادی مرتبط با این راهکارها در اقتصاد اسلامی بررسی کند.

پیشینه بحث

در ادبیات اقتصاد اسلامی، آثار معدودی به مسئله آثار خارجی از منظر اسلامی نگریسته‌اند. انصاری و همکاران (۱۳۷۸) معتقدند: در جامعه اسلامی، آثار خارجی منفی مرتبط با طبیعت، از طرقی (مثل زکات) و پیامدهای جانبی مثبت مرتبط با طبیعت (مثل کاشت درخت) با وعده پاداش‌های اخروی درونی شده‌اند. به‌زعم ایشان، جامعه اسلامی شاهد حجم گسترده‌تری از آثار خارجی مثبت است. ایشان در خصوص مصادیق آثار خارجی منفی، اصل را طبق قاعده «لاضرر»، بر جبران زیان می‌دانند و در عین حال، معتقدند: اختیارات دولت اسلامی عامل کاهش پیامدهای جانبی و جبران موارد موجود به بهترین شکل است.

دادگر (۱۳۸۰) ضمن بررسی اجمالی پیامدهای خارجی از نظر دینی و اخلاقی، معتقد است: موضوع آثار خارجی از آن‌روکه جنبه عقلانی و اقتصادی دارد، مدنظر اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. او در ادامه، در خصوص آثار خارجی منفی، به ذکر قاعده «لاضرر» بسنده می‌کند و تشویق اسلام به آموزش را از زمینه‌های شکل‌گیری آثار خارجی مثبت در جامعه اسلامی معرفی می‌نماید.

رضایی (۱۳۸۹) موضوع آثار خارجی را با تمرکز بر محیط‌زیست پی گرفته است. وی وجود هزینه بالا و در نتیجه عدم امکان شفاف‌سازی حقوق مالکیت در بازار را از اشکالات دیدگاه کوز می‌داند. به عقیده وی، دولت اسلامی با در اختیار داشتن مالکیت منابع طبیعی و نظارت بر مباحث عامه، می‌تواند با رعایت اصول عدالت، انصاف و نفع اجتماعی و رعایت قاعده «لاضرر»، مانع بروز آثار خارجی منفی در این حوزه شود. در نهایت، ایشان نیز نگاه متفاوت مکتب اسلام به محیط‌زیست را عامل کاهش ضایعات و تصرفات در این حوزه برمی‌شمرد.

در این دیدگاه‌ها اولاً، جایگاه آثار خارجی و مفهوم آن در ادبیات اقتصادی متعارف به درستی تبیین نشده است. شاهد این مطلب استناد به قاعده «لاضرر» به‌عنوان راهکاری عام در مواجهه با آثار خارجی منفی است، و حال آنکه نه زیان‌های ذیل این قاعده لزوماً مصادیق آثار خارجی هستند و نه همه موارد آثار خارجی منفی را می‌توان از سنخ زیان‌های ذیل این قاعده دانست. ثانیاً، برای نقد دیدگاه‌های مرسوم از منظر اسلامی تلاش نشده است.

مصباحی‌مقدم و همکاران (۱۳۸۹) مواجهه با آثار خارجی منفی از منظر اقتصاد اسلامی را با تمرکز بر محیط‌زیست تحلیل کرده‌اند. ایشان با اشاره به اشکالات راه‌حل‌های مرسوم، برتری دیدگاه اسلامی را ممانعت از

بروز برخی آثار خارجی به سبب تعالیم اسلامی (مثل منع اسراف) و وجود ادله لازم برای ممانعت و مجازات متخلفان (ازجمله قاعده «منع جواز فساد در زمین»، «منع اضرار به غیر» و مانند آن) عنوان کرده‌اند. به‌زعم ایشان، یکی از وجوه تمایز روش اسلامی در موضوع آثار خارجی، این است که طبق موازین اسلامی، افعالی که میزان ضرر ناشی از آنها یا افراد متضرر مشخص نیست، ممنوع شده است. در نهایت، دولت اسلامی با حمایت از امر به معروف و نهی از منکر و محافظان محیط‌زیست می‌تواند از آثار خارجی منفی این حوزه بکاهد. در این اثر، اشکالاتی بر راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید وارد شده که جنبه اسلامی ندارد. همچنین در این اثر نیز جایگاه آثار خارجی در ادبیات اقتصادی مرسوم به خوبی تبیین نشده و پیشنهادات مطرح‌شده برای اقتصاد اسلامی قوت کافی ندارد.

گودرزی (۱۳۹۵) موانع اساسی کاربرد راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی در جامعه اسلامی را بررسی کرده است. وی پس از تبیین دیدگاه اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید و نقد مبانی و رویکردهای آن، به این نتیجه رسیده که مهم‌ترین راهکار این دو اندیشه اقتصادی، چون در جهت رویکردها و مبانی ناسازگار با آموزه‌های اسلامی هستند - دست کم - برای مواجهه با برخی از مصادیق آثار خارجی در جامعه اسلامی قابل کاربرد نیستند.

مزیت این اثر تبیین دیدگاه‌های موجود درباره آثار خارجی، از حیث مبانی، رویکردها و راهکارهاست. در این پژوهش، راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید از حیث مبانی و رویکردهای ناظر به آنها نقد شده است؛ اما در مقاله حاضر، این راهکارها به‌طور مستقیم و از طریق ارزیابی مقایسه‌ای با رهنمودهای حقوقی - اقتصادی اسلامی بررسی می‌گردد.

کرمی و گودرزی (۱۳۹۷؛ ۱۳۹۸) در دو مقاله جداگانه، نخست جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و اسلامی و سپس دلالت‌های نهادگرایی جدید برای اقتصاد اسلامی در مواجهه با آثار خارجی را بررسی کرده‌اند. براساس نتایج مقاله نخست، در اقتصاد اسلامی - دست کم - به دو صورت می‌توان درباره آثار خارجی سخن گفت: یکی آنکه چارچوب مفهومی مسئله از اقتصاد نئوکلاسیک اقتباس شود، و دیگر اینکه اصطلاحی نو متناسب با ساختار ویژه تخصیص بهینه اسلامی ایجاد گردد.

نتایج مقاله دوم نیز حاکی از آن است که رویکرد اقتصاد نهادگرایی جدید - دست کم - به سه دلیل فاقد دلالت قطعی و روشن برای اقتصاد اسلامی است:

۱) هزینه مبادله تنها عامل شکل‌گیری آثار خارجی در اقتصاد اسلامی نیست.

۲) در اقتصاد اسلامی علاوه بر پیشینه شدن محصول کل، اهداف دیگری نیز در کار است.

۳) ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی تنها ملاک تصمیم‌گیری در اقتصاد اسلامی نیست.

این مقالات گام‌های خوبی در تبیین جایگاه آثار خارجی در اقتصاد نئوکلاسیک، نهادگرایی جدید و اسلامی برداشته‌اند. نقدی که این دو مقاله به آن پرداخته‌اند، ناظر به رویکردهای موجود در مواجهه با آثار خارجی است؛ اما در مقاله حاضر، نقد راهکارها در دستور کار قرار دارد.

نقد راهکارهای مرسوم در مواجهه با آثار خارجی با استفاده از شیوه ارزیابی مقایسه‌ای این راهکارها با رهنمودهای اسلامی، سابقه‌ای در ادبیات اقتصاد اسلامی ندارد و از این رو، موضوعی بدیع به‌شمار می‌آید. با توجه به اینکه در برخی از مطالعات ذکر شده، میان رهنمودهای اسلامی (نظیر زکات) با راهکارهای اقتصادی متعارف (نظیر مالیات) همسان‌انگاری شده است، نتایج این مقاله می‌تواند به‌طور مستدل چنین مطالبی را تأیید یا رد کند.

۱. راهکار مالیات در مواجهه با آثار خارجی

در ادبیات اقتصاد اسلامی، از مواردی مثل خمس، زکات، جزیه و خراج به‌عنوان «مالیات» یاد می‌شود. راهکار اصلی اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی نیز دریافت مالیات از عامل ایجاد آثار خارجی (منفی) است. در این قسمت از مقاله، این مسئله بررسی می‌شود که آیا مالیات‌های اسلامی (همانند مالیات پیگویی) کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی دارند؟ به این منظور، ابتدا به مفهوم و نحوه مواجهه با آثار خارجی در اندیشه نئوکلاسیک اشاره خواهیم داشت. سپس ضمن معرفی مالیات‌های اسلامی، کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی توسط آنها بررسی می‌شود.

مفهوم و نحوه «مواجهه با آثار خارجی» در اندیشه نئوکلاسیک

وقتی آثار خارجی وجود دارد قیمت‌های بازاری انعکاس دقیق و کاملی از اطلاعات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی ارائه نمی‌دهند و به‌عبارت دیگر، قیمت‌های مرتبطی نیستند (ر.ک: لایارد و والترز، ۱۹۸۷، ص ۲۳). بدین‌روی، فعالیت‌های مقرون با آثار خارجی منفی، بیش از حد بهینه‌گسترش می‌یابند و فعالیت‌های مقرون با آثار خارجی مثبت، در کمتر از حد بهینه متوقف می‌شوند. به‌عبارت دیگر، با شکل‌گیری آثار خارجی، تخصیص منابع میان فعالیت‌های اقتصادی بهینه‌نوده، کارایی تخصیصی حاصل نخواهد شد.

برای مثال، تولید سیمان به این علت که با آثار خارجی منفی (ناشی از آلودگی هوا) همراه است، بیش از حد بهینه صورت می‌پذیرد؛ یعنی اگر تولیدکننده سیمان هزینه‌های خارجی را هم در محاسبات خود در نظر می‌گرفت، مقدار کمتری تولید می‌کرد. در مقابل، کاشت درخت به‌مثابه یک فعالیت اقتصادی مقرون با آثار خارجی مثبت، کمتر از حد بهینه انجام می‌شود؛ زیرا تنها بخشی از عواید ناشی از آن به کسی که درخت را کاشته تعلق می‌گیرد و مابقی آن به صورت منافع خارجی نصیب دیگران می‌شود.

در ادبیات اقتصاد نئوکلاسیک، آثار خارجی به معنای واگرایی میان هزینه‌ها (یا منافع نهایی) خصوصی و اجتماعی است (ر.ک: پیگو، ۱۹۳۳، ص ۱۷۲)؛ مثلاً، «آثار خارجی منفی» به این معناست که هزینه‌های اجتماعی یک فعالیت اقتصادی بیش از هزینه‌های خصوصی آن است. به‌عبارت دیگر، یک تولیدکننده یا مصرف‌کننده بخشی از هزینه فعالیت خود را به دیگران تحمیل می‌کند. چون تعیین مقیاس تولید یا مصرف براساس هزینه‌های خصوصی صورت می‌گیرد (و نه هزینه‌های اجتماعی)، فعالیت‌هایی که آثار خارجی منفی دارند، بیش از حد بهینه‌گسترش می‌یابند و در نتیجه، قیمت‌های مربوط به آنها نیز گمراه‌کننده می‌شوند.

از این رو، در اقتصاد نئوکلاسیک، آثار خارجی یکی از مظاهر شکست بازار در حصول تخصیص بهینه منابع شناخته می‌شود و درونی کردن آن به‌عنوان رویکردی مطلوب در دستور کار قرار می‌گیرد. مراد از «درونی کردن»، ایجاد انگیزه در عامل ایجاد آثار خارجی منفی برای تحمل هزینه‌های خارجی است که با راهکارهای متفاوتی، از جمله وضع مالیات بر عامل ایجاد آثار خارجی قابل تحقق است (همان، ص ۱۹۲).

«مالیات پیگویی» مشهورترین راهکار اقتصاد نئوکلاسیک برای درونی‌سازی آثار خارجی منفی است. این مالیات بر عامل ایجاد هزینه‌های خارجی وضع می‌شود. وضع مالیات‌های سبز بر فعالیت‌های آلاینده بارزترین نمونه از کاربرد مالیات پیگویی است. مالیات پیگویی هزینه خصوصی عامل ایجاد آثار خارجی را افزایش می‌دهد و در نتیجه، موجب کاهش فعالیت وی می‌گردد. اگر نرخ مالیات به درستی تعیین و دریافت شود، پس از وضع مالیات، آثار خارجی از بین می‌رود و هزینه‌های خصوصی و اجتماعی بر هم منطبق می‌شوند. البته «درونی شدن آثار خارجی منفی» به معنای از بین رفتن همه زیان‌های ناشی از یک فعالیت بر دیگران نیست؛ چنان‌که فعالیت یک کارخانه آلاینده، حتی اگر در سطح بهینه اجتماعی هم قرار داشته باشد، مقادیری آلودگی به همراه دارد. منظور از «درونی شدن آثار خارجی منفی» این است که عامل ایجاد آن تمام هزینه‌های ناشی از فعالیت خود را تقبل نماید. همچنین درونی شدن آثار خارجی منفی لزوماً به معنای جبران زیان زیان‌دیدگان نیست. مالیات پیگویی برای رفع واگرایی میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی وضع می‌شود و لزومی ندارد که دولت آن را به زیان‌دیدگان بپردازد. اصولاً رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی منفی، ناظر به کارایی اقتصادی و تخصیص بهینه منابع است.

مالیاتی که برای درونی‌سازی آثار خارجی وضع می‌شود باید اولاً، بر مصادیق آثار خارجی وضع شود و ثانیاً، درست به اندازه تفاوت میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی باشد (نیکلسون و اسنایدر، ۲۰۰۵، ص ۶۷۶). بنابراین مالیات‌های اسلامی در صورتی واجد کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی هستند که این دو ویژگی را داشته باشند.

بررسی مالیات‌های اسلامی از نظر کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی

مالیات‌های اسلامی در دو دسته ثابت و متغیر قرار می‌گیرند.

«مالیات ثابت» (یا اولی) مالیاتی است که نسبت، مقدار یا مورد وضع آنها را شرع مشخص کرده باشد؛ مانند زکات و خمس که نسبت، مقدار و مورد وضع آن در شرع مشخص شده و خراج و جزیه که شارع، تنها موارد آنها را مشخص کرده است.

«مالیات متغیر» (یا حکومتی) مالیاتی است که حاکم اسلامی در شرایط خاص و براساس مصلحت جامعه اسلامی وضع می‌کند و نسبت، مقدار یا حتی مورد آن به‌طور مستقیم از طرف شرع مشخص نشده است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۳۵۳).

الف. زکات

زکات در اصطلاح فقهی دو نوع است: یکی زکات ابدان (فطره) که مالیات سرانه‌ای است که با شرایط خاصی در شب عید فطر بر افراد واجب می‌شود، و دیگری زکات اموال که شامل غلات (گندم، جو، خرما و کشمش)، انعام (شتر، گاو و گوسفند) و نقدین (طلا و نقره مسکوک) می‌شود.

زکات فطره ناظر به فعالیت اقتصادی نیست. بنابراین نمی‌تواند راهکاری در مواجهه با آثار خارجی تلقی شود. زکات نقدین نیز چنین است. نگهداری مسکوکات طلا و نقره (پول رایج) در زمره فعالیت‌های اقتصادی قرار نمی‌گیرد. البته خارج کردن پول از چرخه اقتصادی، آثار نامطلوبی، نظیر اخلال در مبادلات به همراه دارد؛ اما این آثار نامطلوب از مصادیق آثار خارجی منفی نیست؛ زیرا در قالب سازوکار قیمت نمود می‌یابد، و حال آنکه می‌دانیم آثار خارجی به‌طور مستقیم - و نه به واسطه قیمت‌ها - به دیگران منتقل می‌شود.

زکات غلات و انعام ناظر به فعالیت‌های اقتصادی هستند و از این‌رو، امکان شکل‌گیری آثار خارجی در فعالیت‌های مرتبط با آنها وجود دارد. برخی معتقدند: این انواع زکات آثار خارجی منفی را درونی می‌کنند و کارکردی شبیه به مالیات پیگویی دارند (ر.ک: انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸-۱۵۰). می‌توان چنین تصویر کرد که در کشت دیمی، کشاورز هزینه‌ای بابت آبیاری نمی‌پردازد و گویی بخشی از هزینه فعالیت خود را به دیگران منتقل کرده و از منابع آبی که متعلق به همه اعضای جامعه است، برای تولید محصول خود استفاده می‌کند. بنابراین کشت دیمی با آثار خارجی منفی همراه است. زکات مضاعف غلات دیمی نسبت به غلات آبی می‌تواند این آثار خارجی را درونی کند (نرخ زکات برای کشت آبی، ۵ درصد و برای کشت دیمی ۱۰ درصد است).

برداشت مزبور از دو جهت مردود است: اولاً، زکات صرفاً بر محصولات دیمی وضع نشده است، بلکه محصولات آبی هم - هرچند با نرخی کمتر - مشمول پرداخت زکات هستند. ثانیاً، استفاده از آب باران در فرایند کشت دیمی، به معنای ایجاد هزینه برای دیگران نیست؛ زیرا اصولاً بنا نیست کشاورز دیم‌کار آب باران را در مبادله‌ای بازاری تهیه کند تا استفاده رایگان او از آب باران به‌مثابه ایجاد آثار خارجی باشد.

مشابه آنچه درباره غلات بیان شد، برای انعام نیز قابل بیان است؛ یعنی ممکن است تصور شود که زکات وضع‌شده بر پرورش شتر، گاو و گوسفند، آثار خارجی منفی این فعالیت‌ها را درونی می‌کند. لازمه چنین ادعایی آن است که نشان دهیم فعالیت‌های مزبور در چارچوب شرایط وجوب زکات، منشأ شکل‌گیری آثار خارجی هستند. یکی از شرایط وجوب زکات بر حیوانات مزبور، آن است که این حیوانات در تمام طول سال از علوفه صحرائی تغذیه کنند و دامدار هزینه‌ای بابت خرید علوفه نپردازد. روشن است که چراندن دام در صحرا به‌خودی‌خود موجب شکل‌گیری آثار خارجی نمی‌شود. تنها در صورتی چنین فعالیتی به شکل‌گیری آثار خارجی می‌انجامد که تعداد دامداران یک منطقه به قدری زیاد باشند که مراتع موجود کفاف همه آنها را ندهد. اما وجوب زکات را نمی‌توان به پدیده ازدحام نسبت داد؛ زیرا زکات، هم در شرایط ازدحام و هم در غیر آن واجب است.

فعالیت یک دامدار به علل دیگری نیز می‌تواند زمینه‌ساز بروز آثار خارجی باشد؛ مانند اینکه حیوانات وارد زمین

دیگران شوند و محصولات آنها را ضایع کنند. اما این نیز در تشریح زکات نقشی ندارد؛ زیرا وجوب زکات مشروط به تخصیص حقوق دیگران نیست.

ب. خمس

طبق دیدگاه امامیه، خمس بر هفت چیز واجب است: غنایم جنگی، معدن، گنج، جواهراتی که با غواصی از دریا به دست می آید، اموال حلال مخلوط به حرام، زمینی که کافر ذمی از مسلمان می خرد، و منفعت کسب. از این میان، غنیمت جنگی و مال حلال مخلوط به حرام ارتباطی با مسئله آثار خارجی ندارند؛ زیرا آثار خارجی در بستر فعالیت‌های بازاری شکل می‌گیرد و این دو از جمله فعالیت‌های بازاری نیستند.

خرید زمین توسط کافر ذمی از مسلمانان، فعالیتی بازاری است. بنابراین امکان شکل‌گیری آثار خارجی در آن وجود دارد. اما اولاً، دلیلی وجود ندارد که این فعالیت همواره موجب ایجاد آثار خارجی شود. ثانیاً، چنین فعالیت‌هایی می‌تواند موجب بروز آثار خارجی مثبت باشد (مانند اینکه کافر ذمی در این زمین درخت بکارد). ثالثاً، وجوب خمس در اینجا مشروط به وارد آوردن زیان به دیگران (و تحقق آثار خارجی منفی) نیست.

«منفعت کسب» عنوانی کلی است که شامل هر نوع فعالیت اقتصادی می‌شود. روشن است که فعالیت‌های اقتصادی گوناگون به صورت بالقوه می‌توانند آثار خارجی مثبت یا منفی داشته باشند، اما وجوب خمس در این باره نیز به تحقق آثار خارجی مشروط نشده است؛ زیرا خمس، هم به منافع حاصل از کسب و کارهایی که آثار خارجی منفی دارند تعلق می‌گیرد، هم به آنهایی که آثار خارجی مثبت دارند و هم به فعالیت‌هایی که هیچ‌گونه آثار خارجی ندارند. علاوه بر آن، خمس به بخشی از منفعت کسب تعلق می‌گیرد که بیش از مصرف سالانه فرد و خانواده او باشد. بنابراین در صورتی که درآمد فرد به قدر نیاز او یا کمتر باشد، هیچ خمسی بر او واجب نمی‌شود.

فعالیت‌های معدنی نیز می‌توانند با آثار خارجی منفی یا مثبت همراه باشند. از این گذشته، چون طبق نظام حقوقی اسلام، معادن در زمره انفال قرار دارند (ر.ک: کوخایی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) و تصمیم‌گیری درباره آنها منوط به تصمیم حاکم اسلامی است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۶)، حاکم اسلامی می‌تواند بنا به مصالح جامعه اسلامی، به شیوه‌های گوناگون اجازه بهره‌برداری از معادن را به افراد اعطا کند. بنابراین در فعالیت‌های مرتبط با معدن، اصولاً امکان شکل‌گیری آثار خارجی وجود ندارد.

«جواهرات دریایی»، نظیر مروارید مصداق مباحت عامه هستند و طبق قاعده «حیازت»، هر که از راه غواصی آنها را استخراج کند، مالک آن خواهد بود. بنابراین در استخراج جواهر دریایی از راه حیازت، غیر از هزینه غواصی، هزینه دیگری بابت خود جواهر در کار نیست تا نپرداختن آن توسط فرد موجب شکل‌گیری آثار خارجی گردد.

در خصوص گنج، براساس اینکه در چه زمینی یافت شود، حالت‌های متعددی قابل تصور است. زمینی که گنج از آن به دست می‌آید، یا از اراضی دارالحرب است، یا دارالاسلام. در فرض اخیر، زمین یا از اراضی مباح و موات است یا از انفال یا اراضی ملکی خاص مسلمانان، و در هر حالت، یا بر گنج یافت شده نشانه‌ای از اسلام وجود دارد یا

ندارد. از این میان، خمس در صورتی واجب است که یابنده گنج نسبت به آن مالکیت پیدا کند؛ مثلاً اگر کسی در دارالحرب گنجی پیدا کند، در هر صورت (چه اثری از اسلام در آن باشد، چه نباشد؛ چه در املاک خصوصی باشد، چه در غیر آن)، مالک گنج شناخته می‌شود و باید خمس آن را بپردازد. روشن است که در چنین مواردی آثار خارجی قابل تصور نیست؛ زیرا طبق حقوق اسلامی، یابنده گنج مالک آن است و زبانی به دیگران وارد نکرده است.

اما در حالتی که یابنده گنج نسبت به آن مالکیت پیدا نمی‌کند (مثل گنجی که در ملک خصوصی دیگری پیدا می‌شود و مشخص می‌گردد که گنج مربوط به مالک زمین است)، به‌رغم اینکه آثار خارجی شکل می‌گیرد (زیرا یابنده گنج مالی را که مالک محترم و معلوم دارد، برداشته است، بدون آنکه هزینه‌اش را بپردازد)، خمس بر او واجب نمی‌شود. بنابراین، هرگاه خمس گنج واجب می‌شود آثار خارجی در کار نیست. بنابراین خمس در این باره نیز کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی را ندارد.

ج. جزیه

جزیه از غیرمسلمانان صرفاً به سبب سکونت در سرزمین‌های اسلامی اخذ می‌شود. چون در تشریح جزیه، فعالیت بازاری خاصی مدنظر نیست، نمی‌توان از آن کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی را انتظار داشت. اگر بپذیریم که جزیه در عوض خدمات عمومی ارائه شده به کافران ذمی در جامعه اسلامی (نظیر حفظ جان و مال این افراد) از آنان دریافت می‌شود (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۳۶۵)، در این صورت اگر این خدمات از قبیل کالاهای عمومی باشد (مثل امنیت)، چون برای کالاهای عمومی، بازاری تشکیل نمی‌گردد، آثار خارجی نیز شکل نمی‌گیرد. اما اگر این خدمات بازاری باشند، در این صورت استفاده از آنها از مصادیق آثار خارجی مثبت است و در مواجهه با آثار خارجی مثبت نیز می‌توان از راهکار مالیات استفاده کرد. به دیگر سخن، جزیه جبرانی است برای هزینه‌هایی که حکومت اسلامی برای اهل کتاب ذمی انجام می‌دهد. در این صورت، جزیه مالیاتی است که برای درونی‌سازی آثار خارجی مثبت وضع شده است.

د. خراج

آخرین نوع از مالیات‌های ثابت در اسلام، «خراج» است که از زمین‌های الحاقی گرفته می‌شود (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۴۰۲). دولت اسلامی در ازای در اختیار نهادن زمین‌های الحاقی (همان) به افراد (مسلمانان و غیرمسلمانان)، از آنها خراج می‌گیرد. در حقیقت، خراج به‌مثابه اجاره‌ای است که بابت استفاده از زمین‌های مزبور پرداخت می‌شود. بنابراین نمی‌توان خراج را همچون مالیات پیگویی، راهکاری برای درونی‌سازی آثار خارجی دانست.

ه. مالیات متغیر

حکومت اسلامی می‌تواند در صورت نیاز و صلاحدید، علاوه بر مالیات‌های ثابت، مالیات‌های دیگری نیز وضع کند. در زمان رسول خدا ﷺ بجز مالیات‌های ثابت، مالیات دیگری وضع نشد. این رویه تقریباً در دوران خلفای سه‌گانه و

نیز در دوره امیرمؤمنان علی^ع نیز ادامه یافت. شاید مهم‌ترین علت بی‌توجهی به اخذ مالیات در این دوره، فراوانی درآمدهای عمومی دولت و بی‌نیازی نسبت به درآمدهای دیگر بوده است (ر.ک: قحف، ۱۳۸۳).

ازجمله مالیات‌های جدیدی که در این دوره وضع شد، مالیات بر اسب در زمان امیرمؤمنان^ع بود. ایشان برای هر اسب تازی که در چراگاه چریده، برای هر سال دو دینار، و برای هر اسب غیرعربی یک دینار مالیات قرار دادند (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۷۷). نرخ این مالیات برخلاف زکات دام‌های سه‌گانه، با دینار پرداخت می‌شد، نه اینکه - مثلاً - بازای هر ده اسب، یکی به‌عنوان زکات داده شود. همچنین حتی از یک اسب هم مالیات دریافت می‌شد، برخلاف زکات دام که حد نصاب مشخصی داشت. احتمالاً علت وضع این مالیات، تأمین نیازهای مالی حکومت اسلامی بوده است.

این نوع مالیات را نیز نمی‌توان دارای کارکردی مشابه با مالیات پیگویی دانست؛ زیرا اولاً، نگهداری اسب فعالیت اقتصادی زیانباری نیست که لازم باشد برای درونی کردن آن مالیات وضع شود. ثانیاً، هدف از وضع این مالیات، کسب درآمد برای حکومت بوده است، نه درونی‌سازی آثار خارجی.

در مجموع، مالیات‌های اسلامی از این حیث که مشروط به وجود آثار خارجی نیستند، بلکه عمومیت دارند، کارکردی شبیه به مالیات پیگویی ندارند. البته این بدان معنا نیست که مالیات‌های اسلامی وقتی موضوعشان یک فعالیت اقتصادی همراه با آثار خارجی است، کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی دارند. برای مثال چنین نیست که اخذ زکات از شخصی که با عبور دام‌هایش از مزرعه دیگران آثار خارجی منفی ایجاد می‌کند، موجب درونی شدن این آثار خارجی می‌گردد؛ زیرا مالیات پیگویی برای آنکه آثار خارجی را درونی کند، باید درست به اندازه هزینه خارجی وضع شود. به‌عبارت دیگر، میزان مالیات باید درست برابر تفاوت میان هزینه‌های اجتماعی و خصوصی باشد. ولی این ویژگی در هیچ‌یک از مالیات‌های اسلامی وجود ندارد. برای اختصار، به بررسی این ویژگی در خمس و زکات اکتفا می‌شود:

با فرض اینکه موارد تحت شمول زکات، فعالیت‌هایی با آثار خارجی منفی هستند، نرخ زکات در هیچ‌یک از موارد آن، متناسب با تباین میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی نیست، بلکه یا مانند زکات فطره، مقدار مشخص و ثابتی است، یا مانند زکات غلات، انعام و نقدین، دارای چند نرخ است که با افزایش این موارد تغییر می‌کند. همچنین گاهی حد نصاب‌هایی وجود دارد که اگر اموال مدنظر کمتر از آن باشد، زکات واجب نمی‌شود.

این ویژگی در خمس به نحو آشکارتری مشاهده می‌شود. نرخ خمس در همه موارد، بیست درصد است. روشن است که با وجود این نرخ ثابت، حتی اگر موارد تحت شمول خمس، مصادیق آثار خارجی منفی باشد، خمس نمی‌تواند راهکاری برای درونی کردن آن به‌شمار آید؛ زیرا تباین میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی لزوماً برابر بیست درصد نیست.

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در هیچ‌یک از مالیات‌های موضوعه در نظام حقوقی اسلامی ویژگی‌های مالیات پیگویی به‌طور کامل وجود ندارد. برخی از مالیات‌های اسلامی (مثل زکات فطره) اصولاً ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی نیست. از میان مالیات‌هایی که ناظر به فعالیت‌های اقتصادی هستند (و در نتیجه، امکان بالقوه

شکل‌گیری آثار خارجی در آنها وجود دارد، هیچ‌یک ویژگی‌های دوگانه مالیات پیگویی را ندارد؛ یعنی اولاً شرط برقراری هیچ‌یک از مالیات‌های اسلامی شکل‌گیری آثار خارجی نیست؛ مثلاً، زکات گوسفند منوط به این نیست که چرای گوسفندان موجب ضرر و زیان دیگران شود. ثانیاً، میزان هیچ‌یک از مالیات‌های اسلامی به اندازه اختلاف میان هزینه نهایی اجتماعی و خصوصی فعالیت اقتصادی نیست. مالیات‌های اسلامی، یا دارای نرخ‌های ثابت هستند یا نرخ‌های متغیر دارند. در صورت اخیر نیز هیچ شاهدی وجود ندارد که نشان دهد نرخ مالیات به اندازه واگرایی میان هزینه نهایی اجتماعی و خصوصی تعیین می‌شود.

۲. راهکار حقوق مالکیت در مواجهه با آثار خارجی

نظام حقوقی اسلام اهتمام ویژه‌ای به تعریف و تضمین حقوق مالکیت دارد. نهادگرایان جدید نیز حقوق مالکیت را به‌مثابه مقوله‌ای مهم در تحلیل‌های خود وارد می‌کنند و معتقدند: حقوق مالکیت باید شفاف و صریح باشد و از فعالیت‌هایی حمایت کند که از حیث هزینه - فایده اقتصادی ترجیح دارند.

دومین مسئله پیش‌روی این مقاله بررسی شیوه تخصیص حقوق مالکیت در رهنمودهای حقوقی اسلام است. بدیهی است در صورتی که تخصیص حقوق مالکیت در اسلام، از اصل «هزینه - فایده» اقتصادی پیروی کرده باشد، می‌توان احتمال داد که از این حیث میان اقتصاد اسلامی و نهادگرایی جدید قرابت وجود دارد. به این منظور، ابتدا اشاره‌ای به مفهوم و نحوه مواجهه با آثار خارجی در اندیشه نهادگرایی جدید خواهیم داشت و در ادامه، شیوه تخصیص حقوق مالکیت در اسلام را با تأکید بر اصل اولیه حقوق مالکیت خصوصی اسلامی و حالت‌های گوناگون آن بررسی می‌کنیم.

مفهوم و نحوه «مواجهه با آثار خارجی» در اندیشه نهادگرا

طبق دیدگاه نئوکلاسیک، مواجهه با آثار خارجی همواره در قالب درونی کردن آثار خارجی، آن هم با استفاده از راهکارهای دولتی، نظیر مالیات صورت می‌گیرد؛ ولی نهادگرایان جدید چنین رویکردی را گمراه‌کننده می‌دانند. به تعبیر کوز:

رہیافت سستی^۱ ماهیت انتخابی را که باید در چنین موقعیتی انجام شود دچار ابهام کرده است. معمولاً با این مسئله، چنین برخورد می‌شود: «الف» بر «ب» ضرری تحمیل می‌کند و باید تصمیم گرفت که چگونه باید جلوی «الف» را بگیریم؟ اما این اشتباه است. ما با مسئله‌ای روبه‌رو هستیم که ماهیتی دوطرفه دارد. اجتناب از زیان دیدن «ب» مستلزم تحمیل ضرری به «الف» خواهد بود. مسئله واقعی که باید درباره آن تصمیم گرفت این است که آیا باید به «الف» اجازه داد که بر «ب» زانی تحمیل کند یا بالعکس باید به «ب» اجازه داد که بر «الف» زانی وارد کند؟ مسئله اساسی این است که چگونه از بروز زیان جدی‌تر جلوگیری شود؟ (کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).

از این عبارت به خوبی معلوم می‌شود که در اندیشه نهادگرایی جدید، مواجهه با آثار خارجی به‌منظور درونی‌سازی آن صورت نمی‌گیرد، بلکه هدف اصلی جلوگیری از زیان بیشتر است (همان، ص ۱۲۶). به عبارت دیگر، نوعی دیدگاه هزینه - فایده اقتصادی بر رویکرد نهادی حاکم است. طبق این رویکرد، درونی کردن آثار خارجی تنها در صورتی تجویز می‌شود که هزینه خالص کمتری نسبت به وضعیت مقابل آن داشته باشد.

کوز نشان می‌دهد که در چارچوب فروض اقتصاد نئوکلاسیک (هزینه مبادله صفر)، اینکه حقوق اولیه به نفع کدام طرف باشد، اهمیتی ندارد؛ زیرا به سبب امکان گفت‌وگوی بی‌هزینه میان طرفین، آنها می‌توانند به راحتی دست به تنظیم مجدد حقوق بزنند و به نتایج کارا دست یابند. اما در دنیای واقعی، که وجود هزینه‌های مبادله مانع گفت‌وگو و مذاکره طرفین می‌شود، اینکه حقوق اولیه به نفع چه فعالیتی باشد، اهمیت دارد و یک تمهید حقوقی ممکن است ارزش تولیدی بیشتری نسبت به سایر تمهیدات حقوقی داشته باشد (همان، ص ۱۲۳). بنابراین لازم است حقوق مالکیت به‌گونه‌ای تنظیم شود که بیشترین ارزش تولیدی را نتیجه دهد.

حقوق مالکیت از عناصر اصلی نظریه اقتصاد نهادگرایی جدید درباره آثار خارجی است، تا جایی که نهادگرایان جدید نخستین و اصلی‌ترین کارکرد حقوق مالکیت را درونی شدن آثار خارجی می‌دانند (دمتزر، ۱۹۶۷، ص ۳۴۸). حقوق مالکیت «حقوقی» است که افراد نسبت به نیروی کارشان و کالاها و خدماتی که در اختیار دارند، کسب می‌کنند» (نورث، ۱۳۷۷، ص ۶۴). به عبارت دیگر، حقوق مالکیت بیان‌کننده حق نفع رساندن یا ضرر زدن از طریق یک دارایی یا توانایی به خود یا دیگران است (ر.ک: دمتزر، ۱۹۶۷، ص ۳۴۷). برای نمونه، خریدار یک زمین - درواقع - مالک حق انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌های مشخص می‌شود. حقوق صاحب زمین محدود است. او می‌تواند مانع استفاده برخی افراد از زمین شود، ولی این ممانعت را نمی‌تواند برای همه اعمال کند. او ممکن است مجاز به احداث ساختمان‌های خاص، پرورش محصولات خاص، یا اعمال نوع خاصی از نظام‌های آبیاری باشد یا نباشد (ر.ک: کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶).

بنابراین دیدگاه، حقوق مالکیت نقشی اصیل در تعیین زبان‌هایی دارد که باید در یک فعالیت اقتصادی به حساب آیند و زبان‌هایی که نباید به حساب آیند. این حقوق مالکیت است که هزینه‌های مربوط به هر فعالیت اقتصادی را مشخص می‌کند. بر این اساس، انتقال برخی از زبان‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به دیگران، به‌مثابه انتقال هزینه به آنان نیست. منشأ این اختلاف را باید در نگرش متفاوت نهادگرایان جدید به مبادلات بازاری جست‌وجو کرد.

طبق دیدگاه نهادی، آنچه در یک مبادله بازاری رد و بدل می‌شود دو بسته از حقوق مالکیت است که یکی از این بسته‌ها غالباً منضم به یک کالای فیزیکی یا خدمت است (ر.ک: دمتزر، ۱۹۶۷، ص ۳۴۷) و بسته دیگر مبلغی است که در ازای کالا یا خدمت پرداخت می‌شود. این در حالی است که اقتصاددانان نئوکلاسیک معمولاً بسته یا نوع حقوق مالکیت را به‌عنوان داده می‌گیرند و به دنبال توضیح نیروهایی می‌روند که قیمت و تعداد واحدهای کالایی را - که به این حقوق منضم هستند - تعیین می‌کنند (دمتزر، ۱۹۶۷، ص ۳۴۷). بنابراین، نتیجه مبادله در اندیشه نئوکلاسیک به انتقال مالکیت محدود می‌شود، اما نهادگرایان جدید مهم‌ترین نتیجه مبادله را انتقال حقوق مالکیت می‌دانند.

طبق این دیدگاه، اگر حقوق مالکیت به خوبی تصریح و تضمین شود، مجموع هزینه‌های مرتبط با یک فعالیت اقتصادی متوجه صاحب آن می‌شود و به‌عبارت دیگر، هزینه‌های مزبور به صورت درونی نمود پیدا می‌کند. البته چون تعریف و تضمین کامل حقوق مالکیت عملاً امکان‌پذیر نیست (ر.ک: رنانی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۱)، همواره زمینه شکل‌گیری آثار خارجی وجود دارد. با این حال، هرچه به سمت حقوق مالکیت شفاف‌تر و تضمین‌شده‌تر حرکت کنیم، افراد به الزامات قانونی پایبند شده، هزینه‌های مربوطه را می‌پردازند و در نتیجه از گستره آثار خارجی کاسته می‌شود. نهادگرایان جدید معتقدند: حقوق مالکیت باید از فعالیت‌هایی حمایت کند که ارزش محصولاتشان بیشتر باشد؛ مثلاً «اگر آسیب ناشی از آلودگی نهر آب، کشته شدن ماهی‌ها باشد، سؤالی که باید پاسخ داده شود این است که آیا ارزش ماهی‌های از دست‌رفته بیش از ارزش تولیداتی است که آب نهر را آلوده کرده یا خیر؟» (کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴). به‌زعم کوز، «مسئله‌ای که باید درباره آن تصمیم گرفت این است که آیا باید به یک طرف اجازه داد که به دیگری زبانی تحمیل کند یا بعکس؟ مسئله اساسی جلوگیری از زیان بیشتر است (همان، ص ۱۱۴). «برای ما مطلوب است که فقط فعالیت‌هایی انجام شود که منفعت آنها بیش از زیانشان باشد» (همان، ص ۱۴۷). بدین‌سان، راهکار نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی را می‌توان تخصیص و تضمین حقوق مالکیت به نفع فعالیت‌هایی دانست که ارزش محصولات آنها بیشتر است.

بررسی شیوه تخصیص حقوق مالکیت در اسلام

شیوه تخصیص حقوق مالکیت در نظام حقوقی اسلام را می‌توان با ذکر یک اصل اولیه و چند حالت ممکن به‌عنوان محدودیت‌های این اصل تبیین کرد:

اصل اولیه حقوق مالکیت خصوصی

اصل اولیه حقوق مالکیت خصوصی در نظام حقوقی اسلام این است که مالک می‌تواند در چارچوب مشروع، هرگونه تصرفی، اعم از مادی و حقوقی در اموال خود بکند (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۳۰). ازجمله مستندات این اصل که از آن با عنوان قاعده «تسلیط / سلطنت» یاد می‌شود، حدیث نبوی مشهور «انَّ النَّاسَ مَسْأَلُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» (این ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۵۷) است. قرآن کریم نیز اموال را به مالکان و صاحبان آنها انتساب داده است؛ ازجمله آیه ۲۹ سوره مبارکه «نساء» که مفادش دال بر سلطنت مالک بر اموال خود است؛ چون تصرف در اموال دیگری را بدون کسب رضایت وی ممنوع ساخته است.

محدودیت‌های حقوق مالکیت خصوصی

قاعده «تسلیط» به معنای حق سلطه مطلق مالک بر دارایی‌هایش نیست، بلکه صرفاً تصرفات «مشروع» را برای مالک جایز می‌داند. این مسئله در همه نظام‌های حقوقی نیز جریان دارد (ر.ک: کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶).

در نظام حقوقی اسلام، محدودیت‌های متعددی پیش‌روی مالک قرار دارد. او برای مبادله دارایی‌های خود مقید به ضوابط باب معاملات است. همچنین مالک نمی‌تواند به شیوه‌های نامشروعی، نظیر اسراف و تبذیر از اموال خود استفاده کند، یا آن را در راه‌های نامشروع به کار بندد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۷). محدودیت دیگر قاعده «تسلیط» در جایی است که مالک مجبور شناخته شود؛ یعنی از همه یا برخی از تصرفات در دارایی تحت تملک خود بازداشته می‌شود.

محدودیت‌های مزبور ارتباط مستقیمی با مسئله آثار خارجی ندارد؛ زیرا آثار خارجی در جایی مطرح می‌شود که یک فعال اقتصادی بخشی از هزینه‌هایش را خارج از قالب مبادله بازاری به دیگران منتقل کند؛ ولی محدودیت‌های اخیر ناظر به فعالیت‌های اقتصادی نیستند؛ مثلاً، محدودیتی که برای افراد نابالغ (به واسطه محجوریت) برای انتقال مالکیت وضع شده، ناشی از این نیست که این افراد در ضمن یک فعالیت اقتصادی به دیگران زیان وارد کنند. آنچه با مسئله آثار خارجی ارتباط مستقیم دارد نوع تصرفاتی است که موجب وارد آمدن زیان به دیگران می‌شود. چنین مواردی تحت عنوان «برخورد میان دو قاعده تسلیط و لاضرر» قابل بررسی است. نسبت میان راهکار نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی و موضع نظام حقوقی اسلام را نیز با توجه به این قسم از محدودیت‌ها می‌توان سنجد.

طبق راهکار اقتصاد نهادگرایی جدید، ملاک وضع محدودیت برای تصرفات مالک، هزینه - فایده اقتصادی است. طبق این معیار، تنها در صورتی باید مالک را از تصرفات زیانبار در اموالش بازداشت که زیان ناشی از وضع محدودیت برای مالک، کمتر از زیان وارد شده به دیگران در اثر فعالیت زیانبار مالک، یا - به عبارت دیگر - ارزش محصول زیان‌دیده بیش از ارزش محصول ناشی از فعالیت زیانبار مالک باشد.

برای تشخیص محدوده حقوق مالکیت خصوصی در نظام حقوقی اسلام، باید دید اصل اولی جواز تصرف مالک (قاعده سلطنت) هنگام برخورد با زیان دیگران چگونه محدود می‌شود؟ این موضوع در شش حالت قابل بررسی است:

اول. تصرف منجر به عدم انتفاع دیگران

در این حالت، تصرف مالک موجب عدم انتفاع غیر می‌شود؛ مثلاً، شخصی که ساختمان مرتفعی می‌سازد موجب می‌شود برخی همسایه‌ها از نور خورشید محروم گردند. فقها این نمونه را از مصادیق قاعده «لاضرر» ندانسته‌اند. از این رو، در چنین مواردی با حاکمیت اصل «تسلیط»، حق مالک به رسمیت شناخته می‌شود (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۵). این رویه با ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی مأخوذ در راهکار نهادگرایی جدید سازگار نیست؛ زیرا ممکن است منفعت از دست‌رفته دیگران، نسبت به منفعت حاصل از تصرف مالک بیشتر باشد و اجازه چنین تصرفی به مالک، از حیث اقتصادی به صرفه نباشد.

دوم. تصرف منجر به زیان دیگران به واسطه تصرف در اموال آنان

گاهی مالک با رفتار خود، به‌طور مستقیم موجب تصرف زیانبار در اموال دیگران می‌شود؛ مثل اینکه شخصی در ملک خود چاهی حفر کند و بر اثر ضربات آن، خانه همسایه آسیب ببیند. در اینجا تردیدی نیست که تصرف مالک

موجب تعمیم تصرف به مال دیگری شده و به او ضرر وارد کرده است. بدین روی قاعده «لاضرر» حاکم می‌شود و جلوی چنین تصرفی را می‌گیرد (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۷).

حاکمیت قاعده «لاضرر» در چنین مواردی بدون توجه به ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی صورت می‌گیرد؛ یعنی همین که مالک با تصرف در مال خود، موجب تصرف و زیان به اموال دیگری شود، این تصرف ممنوع می‌گردد، فارغ از اینکه زیان وارد آمده به مال غیر بیشتر باشد یا زبانی که در اثر محدود شدن مالک ایجاد می‌شود.

سوم. تصرف منجر به زیان دیگران با قصد اضرار و بدون نفع و ضرر برای مالک

گاهی مالک بدون اینکه از تصرف در اموال خود نفعی ببرد یا از ترک آن زبانی ببیند، صرفاً به قصد اضرار به دیگری دست به تصرف در اموال خود می‌زند. نمونه مشهور^۱ رفتار سمرقین جنبد نسبت به مرد انصاری در صدر اسلام است. سمره باغی داشت و آن را به یکی از انصار فروخت، ولی نخلی را از آن استثنا کرد و برای خود نگه داشت و گاه و بی‌گاه بدون اطلاع و اجازه مرد انصاری، به بهانه سرکشی به نخل مزبور، وارد باغ می‌شد. مرد انصاری از سمره خواست هنگام ورود اجازه بگیرد یا به نحوی آنها را مطلع سازد؛ ولی سمره نپذیرفت. مرد انصاری نزد پیامبر ﷺ رفت و از این موضوع شکایت کرد. رسول خدا ﷺ سمره را طلبیدند و از او خواستند هنگام ورود به باغ اجازه بگیرد؛ ولی او نپذیرفت. پیامبر ﷺ پیشنهادهای گوناگونی را مطرح کردند، ولی سمره لجبوانه بر کار خود اصرار ورزید. در نهایت، پیامبر به مرد انصاری فرمودند: «برو و نخل را از ریشه بکن و جلوی سمره پرتاب کن؛ چراکه ضرر و زیان در اسلام راه ندارد» و به سمره فرمودند: «تو می‌خواهی به دیگران زیان برسانی و هدفت خرما گرفتن از نخل نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۴).

در چنین مواردی، قاعده «لاضرر» بر قاعده «سلطنت» مقدم و مانع از تصرف زیانبار مالک می‌شود. منع مالک از این گونه تصرفات، در مجموع منجر به کاهش زیان اجتماعی می‌شود و نتیجه‌ای شبیه نتیجه اعمال ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی حاصل می‌گردد؛ زیرا چنین تصرفی - طبق فرض - هیچ نفع یا زبانی برای مالک ندارد، ولی به دیگری زیان می‌رساند. بنابراین ممنوعیت آن بدون اینکه موجب زیان مالک یا فوت منفعتی از او شود، مانع از زیان دیگران می‌گردد. به جهت شباهت این مورد با مورد چهارم هم‌زمان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

چهارم. تصرف منجر به زیان دیگران بدون قصد اضرار و بدون نفع و ضرر برای مالک

این حالت مشابه حالت سوم است، با این تفاوت که مالک بدون قصد اضرار به غیر، با انجام تصرفاتی که نفعی برایش ندارد و ترک آن نیز ضرری متوجه او نمی‌کند، موجب وارد آمدن زیان به دیگری می‌شود. در اینجا نیز فقها عقیده دارند که قاعده «لاضرر» حاکم است و چنین تصرفاتی که فاقد غرض عقلایی است، ممنوع است (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۵). ممنوعیت این دو مورد (موارد سوم و چهارم)، حتی بدون در نظر گرفتن قاعده «لاضرر» نیز ثابت می‌شود؛ زیرا مالک بدون غرض و منظور عقلایی مبادرت به تصرف می‌کند و چنین تصرفاتی خارج از حدود سلطه عرفی و عقلایی در باب اموال است. بنابراین، چه مالک قصد ضرر داشته باشد و چه

نداشته باشد، قاعده «سلطنت» حاکم نیست تا برای محدود ساختن آن، از قاعده «لاضرر» استفاده کنیم (همان) و استدلال به قاعده «لاضرر» صرفاً مفید تأکید است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۰).

چنان که در حالت سوم نیز بیان شد، نتیجه‌ای که در اینجا از منظر حقوق اسلامی به دست می‌آید شبیه نتیجه‌ای است که از ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی حاصل می‌شود؛ یعنی تخصیص حقوق مالکیت خصوصی در اینجا، منجر به کمینه شدن ضرر می‌شود و این همان نتیجه‌ای است در دیدگاه نهادی مورد انتظار است. ولی باید توجه داشت که صرف شباهت در نتیجه، به معنای مطابقت در مبانی تخصیص حقوق مالکیت نیست. در این دو حالت، اصولاً تصرف فرد، چون فاقد غرض عقلایی است، ذیل اصل اولیه حقوق مالکیت خصوصی اسلامی قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این، در این دو حالت، محدود کردن تصرفات مالک هیچ زبانی به او نمی‌رساند، درحالی که در توضیح دیدگاه نهادی بیان شد: به علت آنکه جلوگیری از ورود زیان، موجب تحمیل ضرر به عامل زیانبار است، باید حقوق مالکیت را به نفع ضرر کمتر تخصیص داد. این در حالی است که در این دو حالت، تنها یک ضرر وجود دارد و مقایسه‌ای در کار نیست.

پنجم. تصرف منجر به زیان دیگران که برای مالک نفع دارد

معمولاً تصرف افراد در اموالشان با اغراض عقلایی، یعنی جلب منفعت یا دفع ضرر انجام می‌گیرد. بیشتر مصادیق آثار خارجی از همین قسم است؛ یعنی افراد برای کسب سود یا مطلوبیت، تصرفاتی در اموال خود انجام می‌دهند که در ضمن آن، زیان‌هایی هم به دیگران وارد می‌شود. در این باره میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد. برخی مانند شیخ انصاری حق را به مالک می‌دهند و برخی معتقدند: مالک حق چنین تصرفاتی ندارد.

استدلال شیخ انصاری چنین است: منع مالک از تصرف در ملکش به سبب دفع ضرر از غیر، به مثابه زیان برای مالک است. بنابراین قاعده «لاضرر»، هم درباره غیر جاری است و هم درباره خود مالک، و این دو ضرر با هم ساقط می‌شوند و اصل «تسلیط» حاکم می‌گردد (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۷).

استدلال مقابل نیز چنین است که سلطنت مالک بر اموالش، حکم شرعی وضعی و از جمله احکام اولیه است و قاعده «لاضرر» بر چنین ادله‌ای مقدم می‌شود. بنابراین در اینجا نیز قاعده «لاضرر» بر قاعده «سلطنت» مقدم می‌گردد و مالک حق تصرف ندارد (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴).

بنابراین در این حالت دیدگاه واحدی میان فقها که بتوان آن را رویه قطعی حقوق اسلامی دانست، وجود ندارد. اما در هیچ‌یک از دو دیدگاه موجود، مبنای استدلال از جنس هزینه - فایده اقتصادی نیست و به عبارت دیگر، نتیجه حاصل براساس هریک از دو دیدگاه، لزوماً منطبق با نتیجه حاصل از ملاک موجود در راهکار نهادگرایی جدید نیست؛ مثلاً شیخ انصاری بدون توجه به کمیت ضرر ناشی از محدود کردن مالک و ضرر وارد بر غیر، این دو را با هم ساقط می‌کند، درحالی که اگر رویه هزینه - فایده اقتصادی حاکم باشد، باید دید که کدام ضرر بیشتر است و از بروز آن پیشگیری نمود.

نشم. تصرف منجر به زیان دیگران که ترک آن برای مالک زیان دارد

در این زمینه اتفاق فقها بر تقدم و حاکمیت قاعده «تسلیط» است؛ زیرا ضرر طرفین با هم تساقط می‌کند و قاعده «تسلیط» بدون معارض باقی می‌ماند. البته جواز تصرف مالک در این حالت و نیز در حالت قبل (اگر قائل به آن باشیم) از حیث حکم تکلیفی است؛ یعنی چنین تصرفی حرام نیست، ولی از حیث وضعی در صورت بروز اتلاف، ضمان ثابت خواهد بود (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۴۵).

در این حالت نیز رویه حقوق اسلامی شباهتی به مبنای اخذشده در راهکار نهادگرایی جدید، یعنی هزینه - فایده اقتصادی ندارد؛ زیرا بدون توجه به اینکه ضرر ناشی از محدود شدن مالک بیشتر است یا ضرر وارد بر غیر، حکم به تساقط این دو و حاکمیت سلطنت مالک داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی، درونی کردن آن با استفاده از ابزارهای دولتی، نظیر مالیات است. مالیات هنگامی که به‌عنوان راهکار اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی معرفی می‌شود، دو ویژگی اساسی دارد. چنین مالیاتی اولاً، باید بر مصادیق آثار خارجی وضع شود و ثانیاً دقیقاً به اندازه هزینه‌های خارجی باشد. با بررسی مالیات‌های وضع‌شده در اسلام، به هیچ نمونه‌ای برنمی‌خوریم که هر دو ویژگی مزبور در آن وجود داشته باشد. بنابراین از مالیات‌های اسلامی، کارکرد درونی‌سازی آثار خارجی انتظار نمی‌رود.

مهم‌ترین راهکار نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی، تخصیص و تضمین حقوق مالکیت به نفع فعالیت‌هایی است که ارزش محصولاتشان بیشتر و زیان ناشی از آنها کمتر است. بنابراین، ویژگی اساسی راهکار نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی، ملاک «هزینه - فایده» اقتصادی در تخصیص حقوق مالکیت است. اصل اولی در حقوق مالکیت خصوصی اسلامی، جواز هرگونه تصرف مالک در اموال خود در چارچوب شرعی است. این اصل که به قاعده «سلطنت» مشهور است، در عمل با محدودیت‌هایی، نظیر مفاد قاعده «لاضرر» مواجه می‌شود. با بررسی شش حالت از تأثیرگذاری تصرف مالک بر دیگران، این نتیجه به‌دست آمد که رویه حقوقی تأسیس‌شده در صدر اسلام، حقوق مالکیت را بر مبنای هزینه - فایده اقتصادی تخصیص نداده است.

در مجموع، این نتیجه به‌دست می‌آید که اگرچه مهم‌ترین راهکارهای اقتصاد نهادگرایی جدید، نسبت به راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک به سبب در نظر گرفتن هزینه‌های مبادله، با واقعیت سازگارتر و به سبب توجه ویژه به حقوق مالکیت با رهنمودهای اسلامی نزدیک‌تر است، ولی صرف این تشابه به معنای تطابق میان دیدگاه نهادی و اسلامی و امکان استفاده بی‌قید و شرط راهکارهای نهادی برای مواجهه با آثار خارجی در جامعه اسلامی نیست. به بیان دیگر، اینکه برخی رهنمودهای حقوقی - اقتصادی اسلامی را صرفاً به سبب جایگاه مشابه با راهکارهای اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید، با این راهکارها یکسان بینگاریم، نادرست است. برای نمونه، صرفاً به سبب جایگاه مشابه زکات و مالیات پیگویی که هر دو ذیل عنوان مالیات قرار می‌گیرند، نمی‌توان زکات را همچون مالیات پیگویی، راهکاری در مواجهه با آثار خارجی دانست.

منابع

- ابن ابی‌جمهور احسانی، محمد، ۱۴۰۵ق، *عوالی النالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم، سیدالشهداء انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، *کتاب الخمس*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. —، ۱۴۱۹ق، *فرائد الأصول*، قم، مجمع الفکر الاسلامی. جلد ۲.
- انصاری، محمدجعفر و همکاران، ۱۳۷۸، *درآمدی به مبانی اقتصاد خود با نگرش اسلامی*، قم و تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت. بجنوردی، سیدحسن، ۱۴۱۹ق، *القواعد الفقهیة*، قم، الهادی.
- حراملی، محمدحسین، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیت. حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۰، «بیت المال»، در: *دانشنامه امام علی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. دادگر، بدالله، ۱۳۸۰، *اقتصاد بخش عمومی*، قم، دانشگاه مفید.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت. رضایی، مجید، ۱۳۸۹، *مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام*، تهران و قم، سمت و دانشگاه مفید. زنانی، محسن، ۱۳۸۹، *بازار یا نابازار*، چ سوم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- قحف، منذر، ۱۳۸۳، «بررسی مقایسه‌ای درآمد‌های عمومی دولت در صدر اسلام و امروز»، *اقتصادی*، ش ۳۱ و ۳۲، ص ۵۲-۴۴. کرمی، محمدحسین و سعید گودرزی، ۱۳۹۷، «جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۷، ص ۱۰۳-۱۲۳.
- ، ۱۳۹۸، «دلالت‌های نهادگرایی جدید برای اقتصاد اسلامی در مواجهه با آثار خارجی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۹، ص ۱۰۱-۱۲۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه. کوخایی‌زاده، کریم و همکاران، ۱۳۹۷، «مالکیت معدن در فقه امامیه با رویکردی به دیدگاه فقه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت»، *فقه مقارن*، ش ۱۲، ص ۱۱۱-۱۳۳.
- کوز، رونالد، ۱۳۹۰، «مساله هزینه اجتماعی»، در: *تجدید حیات اقتصاد نهادی* (نگاهی به اندیشه‌های اقتصاددانان نهادی جدید)، گردآوری و ترجمه محمود توسلی و همکاران، تهران، دانشگاه امام صادق. گودرزی، سعید، ۱۳۹۵، *بررسی موانع اساسی کاربرد مهم‌ترین راهکارهای اقتصاد متعارف و نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی در جامعه اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۶ق، *قواعد فقه*، چ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی. مصباحی‌مقدم، غلامرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «تحلیل نحوه مواجهه با آثار خارجی منفی از منظر اقتصاد اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۴، ص ۶۷-۹۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ق، *القواعد الفقهیة*، چ سوم، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین. نورث، داکلاس، ۱۳۷۷، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.

Demsetz, Harold, 1967, "Toward a Theory of Property Rights", *The American Economic Review*, V. 57, N. 2, p. 347-359.

Layard, P.; Walters, A.; 1987, *Microeconomic Theory*, New York, McGraw-Hill Book Company.

Nicholson, Walter; Snyder, Christopher, 2005, *Microeconomic Theory*, Thenth Edition, Mason, Thomson Higher Education.

Pigou, A., 1932, *The Economics of Welfare*, Fourth edition, London, Macmillan.